

قیمت سالیان
از وزراء و اعیان دولت پدر
معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقارئ نگاران (فخری)

را بکان

از عموم خریداران در داخله
(۱۲) روییه کابلی در خارج

بم بند انگلی با محصول و مت
از طلاب و محصلین نصف قیمت
شما هم

داخله خارج

(۸) روییه (۷) شنلک

دربن جزیره از مرکوز علوم و وقایع سیاس
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

الآذربایجان

ده افغانان کابل

سر دیر

سید محمد قاسم

امورات نخرب ریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات
وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر میشود

اور اتفیک درج نشود اعاده نمیشود

تاریخ شمسی (۱۱) جوزا ۱۳۰۳ هجری

شنبه

تاریخ قمری (۲۷) شوال سنه (۱۳۴۲) هجری



د ۷ س ۳۱ ر

از انسانی وطن مر که اهل بده شد بدون خواهش

جزیره برایش فرستاده میشود

قیمت یک شماره بکعبانی

(۸) روییه

(۷) شنلک

فہرستِ فصلِ جان

(۱) جزیمات سمت جنوبی — (۲) خطبه اعلیحضرت معظم غازی روز عبد — (۳) لوبه جزیره

(۴) آثار احمد و علام وداد — (۵) حوادث داخلیه —

پیش آمده این باب فتنه و فساد کردیده و در اینجا توافق
سمت جنوبی و راحت اهالی خلل و اضطراب وارد آورده است
حکومت ناسوت است در رفع اشتباه آنها کوشیده سوه عوایض اپن
جهاز و اقدام را باهم حال نموده مدارجون که ریشه تحریک
و فتنه انگلی میخود و مشغول عمل است سودی نکرد لا جرم حالیه
حکومت برای سرکوبی آمان لشکر و آلات ناریه فرستاد که
اگر برجهای خود را هنوز اصرار داشته باشد زرای جلوی
از فتنه و فساد فنبه کرده شود اینکه مردم احمد زانی و نوای
کردیز از تردد خود را بشناسان کشته راه اطاعت و اصلاح را
پیش کر فتنی پس باشی دک مردم هم از اینها اتباع نموده هر یار
جهالت و عصیان را بکفارند.

شمارا اطمینان کامل میدهم که حکومت ناسوت عام
کردار و فشار آنونی شمارا حل رجھات و اشتباه کاری نموده
سرکوبی شمارا تصمیم نکرفه میخواهد به ملاطفه و تصرف
شمارا غنمی و حقیقت را برای تان اشنایاد حکومت بر
شمارا ایت مهران بوده موارد تووجه او بقیه اسباب راحت
و سعادت شما ملت است که میخواهد افغانستان بک از دولت
زرک دیسا کفته نام ملت افغان در تمام دنیا مشهور و ماقبل

حوادث سمت جنوبی

بعد ازان که قشون افغانی و حضرت مالی و وزیر مناسب
حریبه از کوئل تیره عبور نمودند و گردیز که نا انسوت از
طرف شورشیها محاصره بود، از محاصره برآمد، شورشیها
طرف دره ها و اطراف متفرق شدند و مردم احمد زانی و
دیکر نوایی فربی، گردیز دسته دسته مخصوص روز بر صاحب حریبه
آمده اظهار خلوصیت و اطاعت نموده رسانیدن از زاق را رای
قشون عهد را زر کردیدند، وزیر صاحب بنبار و سام آناظم را
ملاطفت و نوازنی فرمودند.

حضرت مالی وزیر صاحب حریبه بن از جند روز وقف
در گردیز، تضمیم کرفتند که از گردیز یستگه روند و نقاط مهمه
سمت جنوبی را کردش نموده و خشت و خشت اهالی را فرو
نشانده سکون و آرامی را در ساز جهات رفراز عاید ساخته
علیه قبل از حزکت به تمام اطراف نوایی حاطط و مکاپب
به مضمون ذیل فرستادند.

جندي است که اهالی منکل و جدران سار تحریکات متعدد
مفترضین و دسایس مفسدین و بجهات و نادانی خود شان

وجون این خبر به وزیر صاحب حریم رسید یک قطمه عسکری را برای استخلاص خزانه و نظامیها به سمت مد. کور سوپ دادند، و قبل از تهاران واعلامات لش هودند که قطمه عسکری هضن استخلاص خزانه و نظامیها بطرف بند دولت خان میروند پادیکر کسی فرض ندارد لهذا کسی با آنها تعریض نکند والا نظامیها به جنگ و دفعه از آنها مبارزت خواهند نمود، بالطف در موقعیکه این قطمه عسکری بطرف بند دولت خان میرفت دیکر صدم و قبائل به آنها متصریض نکردند الا مردم (سهالک) که به نظامیها مقابله نموده بقدرت از زد و خورد جزوی و کشنده شدن (۸) خر رعیت و میروج شدن ۲ خر نظامی قطمه عسکری به بند دولت خان رفت و در انجا میں نظامی ها و سلیمان خیله ها جنگ واقع کشند، بالآخر مفسدین شکست یافته ۱۵ خر شان چلف کشت و مرد دو قطمه نظامی یافته، قم بطرف کردیز مراجعت کردند، جون صدم سهالک قطمه عسکری کردیز را جلو کرده بجهت و خون ریزی آمان اقدام نموده بودند از خوف خانهای خود را کذاشت و بکوهه های دیگر رهه بودند قطمه های عسکری هنگام معاودت چند قلعه مستحکم آهارا رای سر کوبی آنها و قبیله دیگران آتش زده سوخت.

بعد از واقعه مذکور از خوست خبر رسید که شورشها چند دفعه ها آن طرف هموم آورده اند اکرجه از طرف نظامیها کردیده و قله ای داده بس رفته بودند لاین حضرت طالی وزیر صاحب برای رفع خطرات آئی، تصمیم کرفتند که باین‌سیاسته قطمهات (۹) کری کردیز ناخوست متصل و جمع قلبی که از شورشها قبول اطاعت نکرده اند از تمام جهات محصور باشوند آه بیچ طرف صراحته و حررت نتوانند. همان بود که چند کشند کیاده و توجهه و سواره وعله استحکام بقیادت جناب آقای حبیب الله خان معین وزارت جبله^۱ حربیه بعضی یک قطمه صدم رعیت مسلح (که غالباً صدم طوطا خیل باشند) بطرف خوست از راه (میرز که) حرکت کردند، میدان وسیعی که در راهی کوتله میزد^۲ است قبل از طرف منکلها استیلاشده و برای جلو کردن فتوح حاضر بودند. از ساعت ۹ صبح جنگ بین طرفین شروع شد و مسافت (۷) شام طول کشید. نظامیها منکل هارا بیس اند این‌تنه کوتله و جهادی میزد که را بدست آورده و همچنان (ملا سور دیوال) سبقت کرده بیش رفتند؛ منکلها خانه هارا کذاشت؛ فله های آوه ها فرار کردند.

در این جنگ باشکه طولانی بود از نظامیها ۵ خر کشته و ۲۰ خر مجروح و از صدم رعیت که معاون نظامیها بودند چه خبر کشته شدند؛ منکلها از باعث شکست خوردند و مقابله نظامیها

بوده آسایش و امنیت کلی در هنرقطه آن حکمران باشد حکومت پادشاه و وزرا و اشکر و خزانه و بالطف مرجه در افغانستان است از خود شما و رای خوبی شما است پس جراحته باشی خود میزند و ریشه خان را بدست خود از جمالت قطع میکنید. پس اگر خدا نخواسته آدام ملت دیگر بر شما حتماً مردی بود در آوقت حق داشتند که به این نوع حرکات اقدام می‌نمودند جهالت هم حدی دارد آخر قدری فکر کنید که این منحرفات و اهیات که به ذماغ شما پیچیده و می‌کویند طفل های شهر هم آن را باور نمیکنند چه جاییکه آدمان کلان ازان لصدیق غایبند. حکومت از کردار نداشته شما عفو کرده همچو آرزو ندارد که اندک فشاری هم رشم او اراده پس لازم است که از خطای خود ثابت بشوید و وعده موتفق بدیند که درآینه این طور احوال ناهنجار را مشکل شوید و خیالات مفرضین و مفسدین را تعقیب نمایند. این ظاهر است که بعض رؤساه شما اختلاف بعض مواد نظامنامه را با مقررات شریعت بتلقین اصحاب فرض فقط برای همام فریبی و نهریک مردم جهان کردند، است جراحت طبقه یچاره همراه به نظامنامه میدانند و هم به احکام مذهبی شریعه با این هم اگر کسی اشتباه داشته باشد، چند خر از همان علایمیکه نظامنامه هارا با احکام شرعیه نطبق و بالآخر لصدیق نموده اند و از علماء زرگ افغانستان می‌باشند حاضر هستند یا بند ما آنها محظی کنند و انتباه خود را رفع نمایند.

بالطف این اعلام آخری است. واژین شدقشون حرکت من کشند با این سی و آنها متعرض شود و از آنها جلو کری فکند و اگر کسی مردیک شدقشون با آنباری اقدام نموده از کشتن کسی مضاعفه خواهند کرد.

پس از ابلاغ دولتش این گونه مضامن و هدایت حضرت عالی وزیر صاحب حریمه مناسب دیدند که چند روز دیگر هم در کردیز توقف کشند تا مطلع شود آه از طرف مردم چه اطلاح میسرد و باجه او ضاع اختیار میکشند قال اقوام دور و زیک سمت جنوبی که بالتابع در این هیاهو شرک داشتند اطلاحار خلوصیت و اطاعت به دولت نمودند مگر بعض قسمهای منکل و جدران که از طرف مردم آنها نمیکنند جواب شافی رسید و بیک جهان او ضاعی بروز شود آه بقول شان اطمینان حاصل میشد محض به مهلت و وعده والمقاد جلسه و مذاکره وقت تذیر اینی میکردند.

در این موقع خزانه غذانی باعده از نظامیها بطرف کردیز آورده میشد، در حدود (بند دولت خان) صدم سلیمان خیله و بعض اشرار از دیگر آن را توقف و نظامیهار امحاصره نمودند

که رسیده معلوم شد که آهالی منشکل و چدران دودفعه قرآن
شریف را شفیع آورده اطمینان اطاعت کردند و از حلال و حرام
اندازی بطرف خوست دست کشیده به تاریخ ۲۰ جون زاده شاه
و ملکان شان برای تجدید بیعت و اطمینان ندامت بحضور حضرت عالی
وزیر صاحب حربیه حاضر بیش شوند . حق در تمام نقاط سمت
جنوبی آرامی و سکون حکمفرما و امور در جریان است :

ابن یک امر واضح است که مردم رعیت اکرجه با هر چنین اسلحه
سلح باشند بالظایی وطنی خود مقاومت نمی نواشد چرا که
رعیت تایل کار طوس فیرمی کند نظامی دو صد کار طوس فیرمی کند
ورعیت را نوبت میدهد که سر از سنگر ردارد بعلاوه از همه
مشکل مسئله ارزاق است که بطور منظم برای آنها نمیسرد
خصوصاً در منشکل که هیچ وسیله رساندن رزق برای آنها نیست
بل رعیت های ما در جنگ بالجنی از اتفاقیها کرده هم ماهر
و جلاکند چرا که در ان موقع تمام لوازم و ضروریات حرب
وارزاق و لوازم هنامی از طرف حکومت و دیگر برادران شان
میسرد واژین رهکنر هیچ خوف و هراس برای آنها نمیباشد .
ولی با حکومت علی خود مخالفت کردن خود را خوشاختن است
با وجود اینکه نظامیها نازمانیک کسی را نهاده نمیکرده و یک
دونفر شان را نشسته به گشتن اقدام نمیکنند . از خداوند برای
ابن برادران جاهل خویش همواره هدابت میخواهم .

خطابه اعلیحضرت فائزی بعد از نماز عید فطر

خطبة اولی

نکبر نهبل نحمد صلوت منقبت
(زبان عربی) امایدی عن زان من ا وای او لادهای معنوی من ا
آرزو مندم که در مسائل روزه بحضور شمار برادران کرام
خویش زبان افغانی و فارسی چیزی عرض نمایم زیرا که اکر
ابن مقصد را زبان عربی بکویم معلوم است که استفاده کردن از این
برای شما مشکل است ا عملهای یک برای قائد خودمان مقرر
و جمیت منفذت دارین و اسائش دیوی و اخروی ما معین است
(روزه)

آیا میدانید که امداد متعان بر مسلمانان چه می آموزاند ؟ و مبارا
بشارف کدام چیزی کشانی ؟ روزه در حقیقت مامسلمانان را بسکنی
و لشکری عادی نموده در مقاومه کشیدن زحافت و تکالیف روحانی و جسمانی
را بوجود دی آوردند اوقات لازمه برای تحمل و برداشت نمودن به
کوته تکالیف مستعد و آماده باشیم زیرا که قبل از بدان عادی میباشیم
و ازان هیچ برآیند این یکی از خصوصیات اسلام است و بدون
از اهل اسلام با اشخاص چنان میباشند که آنها (۴) ساعت کرسته
باشند از حرکت باز محظی نمانند لایکن ماسلمانها از برکت روزه بخوبی



اکنون خیال میکنند که اکر کسی در ارو پارفنه در ظرف
یک یادو سال از تحصیل زبان برای تکمیل کدام فن فایغ شده
به کار مطلوب شروع خواهد نمود — اما اکر کسی در بیکی از
مالک متمنه اروپا مثل آلمان یا فرانس آمده به تعلیم زمان
شروع میکند و بعد از زحمت دو سال خود را قابل این نمیداند
که یک حکایت بسیار کوتاه و مختصر را زان صحیح بیان کند
از کاه باور میکنند که حقیقتاً ان افکار آهدر دل داشتم درست نبود فقط
ورای حاصل نمود یک زبان بقدریک ازان در تحصیل علم و فن
استفاده نمود یک زحمت فوق العاده و یک زمان کافی لازم است
چونکه از جله طلبه از زرگشان محمد عمر خان که رای زبان افغانی
ملکه خوبی داشت اسبت به مشکلات زبان جرمی انجه تحصیل
کرده و باستعمال آن قادر کشته نزد خود بیکار قابل تقدیر است
خوب بختانه در کار خود که جرم سازی است بیز به یک نتیجه
سر غوبی رسیده . چنانچه در شش ماه کار عملی را تمام نموده
یکال دیگر تحصیل نظری خواهد کرد — کار یک تا حال کرده
و یا که آنده خواهد کرد برای وطن الشامله خیل سودمند
و سیم الملفت خواهد بود

از این تلافات ز یاد داده اند با جلوه نظامیها از تکریز نازدیک
علاقه مردم جامی تمام را برآیند ها بتصرف آورند . چون
که مردم جامی و چکنی و نواحی آن طرفدار حکومت هستند
از انجا ناخوست مشکلات مهمی در راه نمانده است . از خبر نازه

آخر وی رق رق منفعت های دنیوی نیز موجود است - مثلاً کسیکه برخواز خوبیش باشد و جو ودش بسیار پاک و صاف می باشد زیرا که برای غاز افلاً درین روز سه مراتبه ساخت و ضرور است ای ابدر بن امر (وضوه) منفعت حضرت الهی است و بارای منفعت دنیا و عقبی خود مانست - و هم چندن مجبوریم که افلاً همه دو مراتبه غسل کنیم چون غسل نمودیم برای وجود مانشاط و فرحت بوجود آمده فعال و بیدار می شویم ا

اگر ما در خواز خوبیش حکم باشیم کویا زیاده توپاورد وقت بوده بیک ساعت خداوندی باشندیم زیرا هر کس خواه دولت مذکور شد و یا هر بیک از تردش افتتاب و ستاره و دیگر علامات اوقات غازش را بخوبی می داد - درین صورت ماهیج طور نمی نوایم که لحظه ازان ناخیر در زیم بلکه ازین وقت شناسی بدیگر اشغال و عملیات دنیوی خوبیش نیز باشندی می نوایم کرد این بیک از فوائد دنیوی غاز است و آن وعده که باما در قیامت گرده شده در نتیجه اعمال صالحه ماشدنی است وله لذت که در آخرت نیز مامسلمانان در جنت خواهیم بود ا

(حج)

عام مسلمانان در هر جا و هر نقطه زیبا که باشیم اگر هر ب است یا زک ایران است یا افغان هندی باشد یا مصیری همه بیک مسلمان هستیم ، خدای ما مقتدای ما کعبه ما قرآن ما پیغمبر ما می بیک است . و هیج کسی مارا جدا کرده نیتواند بنا بین و اطه خدادوند تعالی بیک نقطه جهت اجتماع عموم افراد اسلامی درین موقع در میانی دنیا در سال بیک مراتبه تخصیص داده تا عام مسلمانان از هر یکیک درین نقطه جمع شده ازحال سعادت و فلاح کت بیک دیگر خوبیش خبردار شده به غیر بیک دیگر غمگین و در خوشی می دیگر ذوق و مسرت ورزند ا

حقیقتنا از رفقن به حج تمام کنها همان معاشر می شود - و تنها خانه کعبه آخرین جای امید و مقام غفوری اکثری از معاشر مامعن شده است والا لظر بحاجاتی که از جانب ذات کبریاقی برای هر کنایه مقرر است هر کدامی از ما کنایه گردد و از مغفرت آن مابوس شدم در هیچجه چشم - غیبی شدم رفت رفت با منصورت کنها همان مابلند شده میرفت - مگر از مراجح خداوندی هر قدر که کنایه ما بسیار باشد چون صدقه بحج رقمی برهمام آن قلم عفو آشیده می شود

(زکوة)

در موضوع زکوة مروض بپداری هم اکثر مسلمانان در اسلامیت خوب باشی داشته باشند همچنان که بول زکوة های شان

مح توایم که ۲۴ ساعت از خوره و نوش خود را باز داشته هیچ برخانکنیم و در موقع ضرورت نیز ممکن است که تابه روز از کار زیم ا دیگر روزه با حالات کرسنه کی و ماتوانی برادران مسکین ندار ا مارا حالی می نماید که آنها چه حال دارند و چه قسم کذاره می کشند تابه ها امداد و مدد کاری نمایم ا روزه است که اسماها را از خود و تکه باز می دارد غیر ابتشنه و شکم کرسنه تکه کردن و مغوره بودن نازب است بک از خواص روزه این است که اسما روزه دار هر قدر بکه کرسنه باشد بازیک در نزد خوبیش هم، چیزرا مهیا داشته به جاهای مستور و خانهای تاریک و در مقام نهادنی می تواند که آزار بخورد زیرا که بالای هیچ ساقم محصل مقرر نیست که وی روزه را بخورد لا کن عظمت خداوندی است که هیچ بیک فرد مسلمان در هر نقطه و هر جاییکه باشد خفیه و آشکارا خدای خود را حاضر و ناظر بگذانند هیچ نی خورد و هیچ غی نوشد ؟

روزه در اقصاد ما نیز فوائد بسیاری را فراهم می آورد و در سرمایه مسلمانان می افزاید و تکالیف را که از فقط و کم غله کی بزم می رسد مرفوع می سازد ، زیرا که خوارانه (۱۵) روزه هر مسلمان در رمضان پس انداز می کردد ، دین صورت اکرشما تها خوردنی (۱۵) روزه هر ساله ملت افشار ا حساب نمایند می دانید که چقدر می شود - و بکدام کروز بدرد می خورد ا دنروزهای که غله فقط باشد او هم در وقت محابه جون که بکرسنه ک آموخته و طادی میباشیم ا

(صدقه فطر)

هر شخصیکه (۷۰) روییه زیاده تراز احتیاج اصل خود داشته باشد ادای صدقه فطر ضرور است که قورد کمی که پیاره کشند و دو مثل آن جو برای کسانیکه مسکین و مستحق و معیوب دیگر دست وبا و کور باشند بدهند

یک بار یک دیگری را در اسلام فکر کنید که در ایام خط و فر صنیعکه روح غسله کران باشد شرعاً حکم نیست که درین صدقه فطر پس داده شود بلکه همانجا باید غله بدهد - زیرا که احتیاج اهالی بده است

(غاز)

تصور نمکنید تها منافع دنیوی واخروی در روزه است بلکه در تمام اواسی و معاملات مذهبی ما علاوه بر مقاد

(نوجه به عسکر)

خدمت شهادت بزرگ و مقدس است اگر یک زاده شده
باشد که می تواند عبادت کند و هیچ روزی روزه نباشد باز هم
پس از آنکه شما فرائض را مکمل کنید نواب قاع عادات و اعمال
حسنی آن برابر نواب یکروزه خدمت شهادت بیست جرا که
شنا راه دین مقدس خود خیر از فدا آزادی جان خویش
دیگر مقصودی ندارد و بشما لازم است که افسوس های خود را
آگاهی از احترام کنید چرا که آنها از رام خداوند خود و خدمت
ذنان جان خود را وقف آرده اند

می داید ؟ یک سلام خوب کافی رسیدار و معتقد
است که (اذا جاء الحليم لا يسأل حرون ساعة ولا يستقدمون)
در موقعیک اجل رسید یک لمحه تمجیل و تأخیر آن ممکن نیست
الی ! ما مسلمانان عقیده داریم نازمایک اجل ما زیسته باشد
بالنک اکر در میان باران کله های توب و ذنک ناشم کافی
می دیریم بین طاظ عسکر اسلامی دلاور زین عسا کر روی
جهان است چرا که آنها می ترسند و قوم مسلمان عقبه خود
هیچ حوف و هرای را راه نمی دهد —

بازک الله لنا ولکم بنون دفف الرجم

(خطبه دوم)

تکبیر . . . تهلیل . . . تحمید . . . صلوة . . . (زیان عربی)
دعای کشم بدر کام خالق بی شمار خود که الهی رای
علم اسلام علی الخصوص رای قوم محیط افغان خدا
شاد است که آنها را از جان خود دوست تو می شمارم
محترم حضرت مقولات که تمام کشاث را محاطر او اشکارا
کردی خیر و حافظت داری اصیل گردانی ، و عسکر افشارا
هیبته مظفر و کامبایب داشته باشی و من عاجز بی چاره را که
بنیر از خدمت مسلمانها دیگر مطلب و آذوه ندارم کامبایب
بکر دانی باز خدایا من سده عاجز (امان الله) داماد چزهای
که خیر و منعمت عموم علم اسلام حصولاً افق استان باشدو آوار
فکرهای کارای اسائل قوم خود ملک افغانستان دارم کامبایب
بکر دانی توفیق بدی که رای خیر و حوبی ملک افغانستان
کوشش نمایم و آن فکر را که در آن خرابی و صریح ملت افغانستان
باشد بدینه من هر آن حاذنه ا

الله العالمین ! آسایش برای خیر علم اسلام کوشش می افتد
و سلطنت علیه فریاده و برادر هنر زما دولت ایران و برادر خانی
عجایمها هندوها و برادر های مظلوم ملت کستانیان و دیگر قاع
مسلمانهای روی دنبال را که در هرجا هستند بحفظ و حفایت

سال بسال نظر به نزول شان در ترقی و تزايد میباشد - اکرجه
لهبی - بسابق لله الحمد خدای را شکر کذارم که نزول و زکوہ ما
زياده شده ناهم اکر عجموم دولت هندان و تجارت هنر (۴۱)
اموال شاررا بطور زکوہ کشیده بفریاده فیض کنند آیا چقدر
بول می شود ؟ و آیا فقیر و فقیری در تمام مملکت سنظر خواهد
رسید فی بلکه در تمام افراد وطن هنوز با مصادفات حقیقی
حکم فرمای خواهد کشت

اکرجه فکر بعضی اشخاص آنقدر بلطف اشده که این را
حس کرده بتواند باز هم معلوم است که نسبتاً غریب مایم است
اکر شما کوچه های ممالکی که دعوی غدن را می عایند بهینه
هزارها نفر بی خامان در کوجه و بازار کرنده و برده افتاده
اند و هزارها دولت مند از نزول می بندند (می امام صندوق) الحمد لله
در هملت ما اینقدر غریب بیدار نمی شود و بهمراه خبرای ما دیگر
برادران اسلامی شیوه شفقت و محبت را صریح داشته اورا بخانه
خویش می بند و الانه مسجد برایش حاضر است - افسوس
که بیکانه هارا ندیده ایم که بیکی از نزول می بندند (می امام صندوق) و
دیگری ن برده و شکم کرنده روی خالک می افتد - باز الحمد لله
آه ما مثل آنها نیستیم اکر غریب هستیم از بارشان تا کدار غرب

هستیم و اکر دولت هندیم از شاه تا کدا بکسانم
معلوم است که این ممه او اسرارا که دین مبارما کذاشت و ما
آرا پاسندی می کیم برای فاندۀ خود ما و برای حفاظت دین
منظمه ما و حفاظت قوم ما و خالک مقدس ما است ، فکر کنید
اکر یک مسلمان در تمام او این دین خود حکم باشد البته بهترین
افراد ملکت کفته می شود چرا که او شجاع میباشد و جان خود را
وقف دین و وطن خود کرده ضرور بطلب خود کامبایب میشود
و مرد ر که انسان شجاع باشد همانقدر بطلب خود کامبایب است ا

(شرف جهاد و خدمات عسکری)

مارها هر میس اکرده ام که خدمت عسکری یک خدمت بسیار
باشرف است چرا که عسکر جان خود را فدائی دین و ملت
و وطن خود می آیند - و ظاهر است که مال دادن برای خدا
نواب زیاد دارد - لا کن بذرجه جان دادن نیست باید که شما
برادر های عسکری خود را بتنظر احترام نیستند که آنها
از برای محافظه دین و وطن و جانهای شما رسیده های خود را که
می خوردند اکرجه و طبیعت عسکری مسدادن است باز هم که
از طرف قوم و برادر های خود یک شایش و آفرین به یقین
زیاده زیشو قسر خود را فدائی کنند

و روان در بدن دارند کوشیده مشورهای مفیده و خجالات
مالبات شان را عموماً در طبیعت هنرها موجود می‌باشد جهت فلاح
ودرخان شدن آن به افغانستان از ارباب حل و عقد حملکت
خوبیش درین هر میانند —

چنانچه خود ذات جهابانی به تمام نقاط مملکت خود بصد
از نظم و ترتیق امورات دولتی و اجرای اظامانی که چنان
راجم مسائل دینی و مهمات فقهی و سائل شرعی است اصر
فرمودند که از علاوه داری ها و حکومتی های درجه اول و
دوم و سوم و حکومتی های کلان و حکومتی های اعلیٰ و نائب
اطکومه که اعضاً منتخبه اولارا جمع داشته بدونشان اصر و
هدایت فرمودند که فلاخ و بہودی و زرق و تعالیٰ وطن و قریب
طبقات افغانی با حکام مقاص خوبیش مشوره نموده اسماج پشم
دولت و ملت و مملکت را بروی کار آورده از مضرات نه قنها
خود شان بختی و محترز باشند بلکه اطلاعات بھی قانونی و مظالم
حکام شان را نیز بھر کن سلطنت رأساً اخبار و اشمار نموده
علاوه بر این برای اندفاع ضرر منفأ بکوشند ،

ماجهت خاطر لغین شدن این مسئله خواهشمندم که قارئین
کرام خود را بشذ کر مشورهای مفیده (لویه جر که) صن
۱۳۰۱ تصدیع دهیم ، اعلیحضرت معظم فازی ما در سنہ کنشیه
وکلا و کلان شوندکان عموم افغانستان خصوصاً از سمت مشرق
را جمع نموده مجلس را بنام (لویه جر که) منعقد فرمودند —
و در آن از مرکز کوئه ایجاد درباره امور داخلیه و خارجیه دولت
نموده بھر طرف نه آراء عمومی قرار گرفت عمالطور بروی
کار آورده شد جون مفاد آن رای دولت بسیار بنظر خورد
اعلیحضرت جوان جوان بخت ماجددآ جناب تصویب فرمودند
که نهاداً-ال بلکه یوسالیک مجلس جمیع مقصد خیر صمد
دردار السلطنه کابل المقادیب اعلانی که بنام عموم رعایت صادقة
شاهانه خوبیش درین موضوع از حضور لام التور شان افسر
واسعه داده با فراموشی نه باسمة صالح و نامهای ناصی سادات و
مشائخ و علماء و اکار و احتجة ملت جدا کانه فرستاده هر واحدش
در اخبار هذا عیناً نقل و لشریع مبکر دد
سواد آن اعلان حمایوتی که بنام عموم رعایت
صادقة شاهانه شان اشاره یافته .

(اعلان)

کافه رعایتی صداقت شمارم :-

دیگر است که جیات وزنده کانی مصنوع و فراهم آوردن
وسائل سعادت و زرق واستراحت بک قوم ، بک ملت ، اولین
وظیفه و تکلیف واجبی دولت است — باید دولت متصل این

خود نگاه کنی — خدا یا غیر از تو بناه و غیر از دامن که تو
دیگر خامنی را نیز کبیر ، الـ العالیـ بـنـا ، رـقـهـایـ رـا کـنـوـمـهـانـیـ
برـایـ هـلـمـ اـلـامـ خـصـوـصـاـ اـفـفـالـسـانـ فـصـبـ بـکـرـدـانـیـ (عـبـادـهـ
رـحـکـمـ اللـهـ انـ القـیـاسـ مـالـمـدـ وـالـاحـانـ . الـوـالـهـ يـعـلـمـ مـاـنـصـنـمـونـ)
بعد از اختتام خدمت ذات شاهانه دست های نیازش را
بدر کام خالق بھی نیاز برداشتہ فرمودند خداوند دعایی کنم
مردهای مار! عفو کنی ، و حجات زید کان مارا ہائز ف داری
اللـهـ مـلـتـ اـفـفـالـسـانـ زـاـ بـهـتـنـ مـلـلـ مـعـرـقـ روـیـ دـیـاـ بـکـرـدـانـیـ
وـعـامـ مـاـمـوـرـینـ اـفـفـالـسـانـ زـاـ تـوـقـبـ بـدـھـیـ نـاـبـرـایـ وـطـنـ خـودـ بـکـ
خدمت بـکـنـتـ کـهـ قـوـمـ خـودـ رـاـ بـدـرـجـهـ هـایـ بـلـنـدـ بـرـسـانـدـ
خـدـاـ یـغـرـ اـزـ توـ کـسـیـ رـاـ نـیـشـ شـنـاسـیـ وـازـتوـ مـعـاوـنـ مـیـ خـواـہـ
وـبـسـ . اللـمـ اـغـفـرـ حـلـیـعـ الـمـؤـمـنـیـ وـالـمـؤـمـنـاتـ مـحـرـمـتـ
لـاـلـهـ الـاـلـهـ مـحـمـدـ رـسـوـلـ اللـهـ

حـلـ القـادـ لـوـیـهـ جـرـ کـهـ بـهـ دـارـ السـلـطـنـ کـاـبـ

هـقـلـ بـکـ اـزـ مـحـرـرـ بـنـ خـارـجـ اـدـارـهـ

در فوائد اتحاد و عوائد اتفاق هر قدر شرح و سلطی که
محبیر کرده نامم عشر از عشیر و قلبی از کثیر آن در جز
قریر نی کنجد و در حبطة کطبی نی آید — مکر خداپرا
شکر کذاریم که از مراحم ازدی و الطاف رمانی خوبیش در
سر زمین افغانستان فرشته امن و اممال یعنی وجود مسعود
اعلیحضرت امیر امان الله خان را بر کاشت و علاوه برین که
علم حریت واستقلالش را در فام بسط غبار ملک و دولت علیا
برافراشت محبوب مرغوب مقصود بجهود شان را که حکومت
(شودوی) است نیز دو کنار امان و امنی شان حض از
رعیت روزی و حقوق شناسی شاهانه خوبیش تدارد .

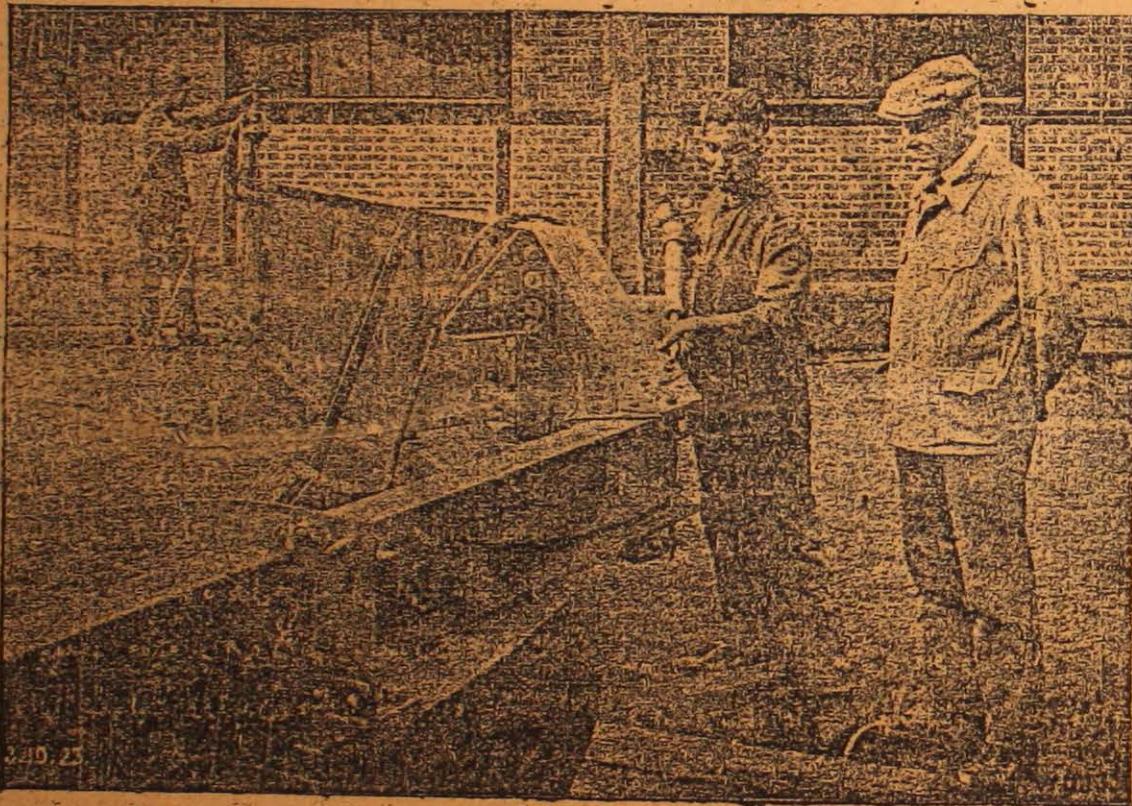
که الحمد ازین توجہ ملکانه شان هم افراد مملکت نایب
درجة ازمهی اتحاد و اتفاق بره اندور آردیده در تبعیجه باهم
دست داده نایب درجه که می بین بشاهراه زرق و تعالی کامن
شده از مر آن بخوردند — این نبود مکر از آوجه پادشاه
زرق خواه ما که افکار مارا از حضیض ذات فاقی باوج رفت
اتفاق جلب نمود .

اعلیحضرت محبوب القلوب ما اولین ذاتی است در مشرق
که دارای این وصف آشته هواره خجالات رزق و تعالی وطن
را داشته در صد بادست آوردن آرای اصلیه و افکار حقیقت
عموم طبقات ملت خود بوده هم افراد مملکت خود را نویسی
می نایند که در زرق و تعالی و بہودی وطن خود ناجان در تون

ها و مرکز نائب الحکومه کی د حکومتی های اعلیٰ بشورای دولت حنی شمرده احتضار کرده ام تباہتہ که ف الواقع زان شما و وکل غام معاملات نان هستند در امورات سترک مشاوره در است تصواب و تعاطی افکار تردد شود —

علاوه این از جندي است که درین مورد مقصد دیگری را بخاطر می بروانم که تشکیل يك مجلس (لویه جرکه) است که باید لاقل درسال يك دفعه علی المسوب وکلا و عاسته کان وکلان شوند کان قومی و علمای ملت دران مجلس اجتماع نموده همه مسائل مهمه و افکار یک در تعالیٰ ورقی مملکت خویش مدظلظر داشته باشم مواجمه بالمشاوره و تصویب آراء تصفیدهيم و بعد است تصواب مجلس من کور در معرض اجراء تغایر . جنابجه در سن ۱۳۰۱ بجلال آباد يك مجلس (لویه جرکه) را المقاد

بار کران کردیده وظيفة خود را انعام دهد و از دیگر طرف حتی است که ملت با حکومت معاوضت و مساعدت نموده در پیشرفت مقاصد و ترقیات دولت خود قولان و فعلان مساعده و کوئاھی نیکند تائید فقا به آرزو و سلام خویش نائل و کامیاب شوند لهذا با ساع واقعه ضای امر موکله (وشاورهم ف الاصر فاذا بعثت فتو کل علی الله) هبشه جنین آرزو دارم که در نهاد جزیات مهمه امور مملکت و سعادت و آسائش ملت آرایی عویس بیز تاحد نمکن شامل و در تحریم این بار کران علی قدر امکان فکرا و قولان معاوضت و مساعدت باشند چنانچه در مرکز سلطنت مجلس مالی شورای دولت را از اعضای منتخبه و اعضای طبیعیه که اشخاص باخبر به و خیر خواهد دولت و ملت هستند تشکیل داده موجود بودن وکلای شمارا در علاوه داربهای و حکومتی



محمد حسن خان از جمله طلبای بزرگ افغان که در یکی از کارخانه های بزرگ پل سازی در شهر نورنیزک امان مشغول کار عملی است . به کار خود خیلی کمک خاطر دارد و هم این کار خانه و طریق تحصیل فن مذکور بحال او خوب موزون افتاده . امیدقوی ام است که در کار خود خسب المأمول به نتیجه خوبی الشاهقة خواهد رسید

مذا کره و فیصله نمودیم ، برای سالهای آینده بواسطه که المقاد مجلس (لویه جرکه) سمت مشرق دو ایام سرما واقع شده بود و هم باستی که این مجلس بزرگ در شهر کابل که نقطه وسطی و پایه نجف مملکت افغانستان است المقاد بدزده وقت و موضع آواز بدل نموده مرکز و لویه جرکه و سرتیخ مشرق را نکل و موقع المقاد آن را امسال عاده الحجۃ طرفه که هوای کابل ملائم و ساز کار و وفور فواره را کامنه

نموده جون موقع انعقاد مجلس مذکور ایام زمستان بود و احصار غام و کلام و نهاده کان ملت افغانستان اسیاب زخت شان می شد — از دیگر نقاط مملکت تهابوکلای منتخبه موجوده شان کدر مجلس شورای دولت شمولیت داشتند اکنون کرده از افواه سمت مشرق که خبلی قریب و شهوات بذر بود وکلا و کلان شونده اوسادات و علمای شان را خیل نموده بالمواجهه آونها آنچه در آنوز همیشت و ترقیات ملت لارم مشاوره بود

منیف احمدی را صلوٰۃ اللہ وسلامه علیہ درین شاهراه فلاح ونجاح دارین امراء کبید میفرماید - حضرت حق پیغمبر خود را که و (مابین طبع عن الہوی) درشان اوست امراء میفرماید که با امتنان و پیروان خودت در همه کاز مشوره عالی

امدا این کمترین بادالله از بدو جلوس خود نفع پیروی سنت سنیه محمدی علیہ الاف الشیاء والتجیه ، اساس سلطنت وطن هنریز خود را مشوره وضع نموده در پایخت عالی بخت مملکت شاهانه خودم تشکیل مجلس شورای دولت که من کسب از وکلای منتخبه شامالت واعضای طبیعیه مامورین دولت است نموده همه فوائین و نظامات مملکت داری در آنچاغور و خوض می شود و بعد الاتفاق اراء در معرض اجراء آورده میشود هم جنان در من کثر های همه ولایات و حکومتی ها تعلق دارد به مجلس مشوره از اعضای منتخبه و کلای شما ملت دار و همه اجراء آت مطابق احکامات المی بواسطه مامورین دولت بااتفاق و مشوره و کلای منتخبه اجراء می شود با وجود این همه مجالس مشوره که پیروی سنت سنیه در همه مملکت شاهانه اجراء است جون حکومت را از ملت و ملت را از حکومت دانسته نفع و ضرر وطن هنریز خود را همه ملت نجیب خود مشترکاً مساوی میدانم اراده نمودم که در هر سال یک مجلس نامم « لوبه جر که » که من کسب باشد از علماء و سادات و مشائخ و خوانین و وکلای همه اقوام بدارالسلطنه کابل العقادیافت در همه امورات مملکت داری و پیش نمایدات زرق و تعالی و تنظیم نظامات و فوائین دولتی و نعام سیاستیات داخله و خارجه بخت و مذاکره نموده شود - و آنچه خیر و بیرون اداره حکومت و فوز و فلاح اهالی ملت را باافق آزاده ملاحظه نمایم متفقاً نظام و بعد از اتفاق آراء متوكلاً علی الله در اجراء آت آن هنریز بالجزم نامیم که با تبع سنت قرون اول اسلام ترقیات دینی و دینیوی خودها را فائز و مائله شویم چنانچه از خواصی اعلانات علیحده مستحضر خواهید بود -

بنابران حضور والای ما جون شمارا صادق و خیر خوام دولت میدانست شمولیت شمارا در « لوبه جر که » لازم داشته ابلاغ میفرمایم که سفر خرج شما از آمدن الى کابل بواسطه حکام اعلی (وبا نائب الحکومه کی) انتظام می شود بمحاطه جوی . تمام الى روز (۸) نامه فی الجمیع الاجرام وارد کابل شده نیاز بحسب عذر انجی را برادران دارالسلطنه خود را نموده در مجلس « لوبه جر که » شامل باشد - در ایام توقف کابل البته مهمان اعلیحضرت ماخواهید بود و بعد از اختتام « لوبه جر که » خرج سفریه شمارا وزارت داخلیه تأییده نموده مع احیان در مسافت خود خودت میباشد فقط . موضع دستخط انجم فقط هابون

میشو ذقر اراده بدم - ناسادات و علماء و مشائخ و وکلا و کلان شویه های ملت در محفل « لوبه جر که » بشهر کابل انبات و بود نمایند - و راجع بسعادت و ترقیات شمار عایای صادق امام و مملکت هنریز تان به هیئت و جیشت عموی در مجلس مذکور مذاکره و نظاهر افکار نموده مطالب عمده دولت و ملت را چه در امور داخلیه وجه در امور خارجیه حل و فصل نمایم - واز خداوند نوایا و قدیر در زرق و نعمتی هملکت خود استعداد و کک بخواهیم - .

شمارا ازین مکنونات قلبیه ام آکا هایدہ برای عموم حکام اعلی و نائب الحکومه کی ها وزمامداران محل تان بفرمان جدا کانه اشعار نمود که از وکلای منتخبه آن سمت که در علاقه ها و حکومتی ها و سرکن نائب الحکومه کی هستند ناصفه را رای اجراء آت کار نوبیه هان موضع کذاشته مناصفه را با تعدادی که بفرامین جدا کانه بحکام خبرداده شده از ناسادات و علماء و مشائخ و کلان شویه کان و نمایند کان و روپسا از هر محل بقرار تقییم بقرب العقاد مجلس « لوبه جر که » عز کر حکومت اعلی و نائب الحکومه کی ها طلب نموده بیک موعد بکه موقع اتفاق مجلس « لوبه جر که » عز کابل رسیده بتوانند روانه دارالسلطنه نمایند و خرج راه و فواکه اهارا تاریخ دادند کابل از آنچه بزداخنه در سرکن کابل از بدورو و ناختم مجلس مذکور خرج و خوراک که آنها دولت تدارک و تهیه کرده باشند می بردند و این مجلس همه ساله در خود کابل و بهمن تاریخ منعقد - و داری کردیده بتعدد معتبر از هر ولا تفری بصورت و کات و غایسه کی برای شمولیت ورزیدن « لوبه جر که » حاضر خواهند شد

واز خداوند تعالی امید قوی داریم که باین مجلس عالی بموافقت آرای وکلا و نمایند کان ملت خیب افغانستان بسی مطالبات مهم داشت ترقیات وطن مقدس داخل و فصل کردیده صورت اصرام و اجراء بذرداد موضع مهر منور هابون مسود آن فرایند که بنام سادات و مشائخ و علماء و ائمه ملت اسماں شد

- (سواد فرمان) -

فضایل ما آب زاده الله فضلہ

جون حکمت بالله حضرت حکیم علی الاطلاق جل و نقدس شانه اساس مدیت و ترقی و تعالی پسریت را بامداد و اتفاق منوط نموده و برای منحد ساختن افراد متعدد و افکار متعدد دابلاغ احکام آیه شربیه و (شاورهم فی الاصر) همه ماندان دین هابون

روابطی به از همه جهات نایسی بین دو رادر حقیقی باشد جری
ودائز کردد. جنابه وکماه قبل دولت علیه ایران پنج راس
اسپ بسیار عده و اعلاه هدست یک؛ فر صاحب منصب لشکر
شرق افای سالار جنگ اطور تخفه دولت، و هدبه برادرانه به
دولت علیه افغانستان فرستاد. اسباهی مذکور چندی قبل در
وزارت حریبه از حضور اعاب حضرت غازی پادشاه افغانستان
لذارش یافت. حضور شاهانه از احسان محبت و عواطف
مودت دولت علیه ایران اظهار مصرب و خورستنی تمام نمود.
و با آفای سالار جنگ و دیگر ملازمین ایرانی ارزش اطف و
نوازش کرده به آفای سالار جنگ یک نشان (حزم) نیز
اعطا کردند.

ملت افغان این عواطف و عملیات پکجهی دولت علیه
ایران احسانات خلوصت و صمیمیت اخوت کارانه بروزدازه
سرات شکر و انتهان خود هارا نبلیغ نموده از اهماق قلوب
محکومین زنده هادمک ایران و مشبد پادشاه ایران و افغانستان

آثار اتحاد و علم و داد

بعد از صور یک قرن از ظهور اسلام عوامل فرقه و
عداوت بین مسلمین تولید کفته شیوه اتحاد و یکانی شان از
هم کسیخته در نتیجه فرقه ها و دولت ها نشکل نرسیده بمقام
مخالف و نابود - اختن یک دیگر قیام نمودند، و در این موقع
اجانب هم فرست خوبی یافته در تزیید دشمنی و خون ارزی
بین مسلمین باقی القابه کوشیدند. این شقاق و غاق، فتال
و جدال دول اسلامی باعث ضعف و اضمحلال آنها و اسباب
قوت و اقتدار دشمنان دین کردیده بر قالب بلاد اسلامی منصرف
کشند و چند قطمه کوچک کاف الجله حفظ نام نواست آن
هم تحت سلطه اقتصادی و پالطه سیاسی این اجانب درآمد.
جدائی و عداوت دول اسلامی مجائب رسید که علاقه همچواری
و روابط سیاسی که بین دولتها دشمن و مخالف دین و آئین
جریان دارد از میان آنها قطع کردید ایران از افغانستان و
افغانستان از ترکیه بی خبر ماند.

له الحمد که در این چند سال اخیر دول و ملل اسلامی از
کفرت تعیین و فشار دشمنان از خواب غفلت بیدار کشته به
نتائج سوء اعمال آذشته خود دانسته ملت فشند که آنچه
در این قرنهای کردیم غیر از اینکه خانه خودها را خراب و خانه
دشمنان را آماد ساختیم. جیز دیگر نبوده لا جرم متنورین و
مفکرین اسلام در هر قطمه مردم را بتوحد و اتفاق با اسابر
برادران اسلامی دعوت و نبلیغ نمودند و در نتیجه از هرجا صدای
اتحاد و هلمه اتفاق بلند کشته قادین اسلام را به ایجاد
روابط دوستی دیگر جهیز و داده نمود.

در موقعیکه افغانستان مواقع اتحاد و مراودات را ایجاد
دول از ییش بای قدم و تعالی خویش برداشت از همه مقدم به
تجدید علاقه وحدت و دوستی با برادران دینی خویش اقدام
نمود و نخست سپری فوق العاده به دولت هم ییش و همچوار
و هم بزاد خود دولت علیه ایران فرستاد. از طرف دولت
علیه ایران هم ورود سپری فوق العاده افغانی یا یک تحبان مصرب
و دوستی استقبال شده ابواب محبت و اخوت بین این دو برادر
عینی مفتوح کشته روز بروز آثار اتحاد و علم و داد بین طرفین
متوجه وقوی نمیشود.

این محبت و اخوت که از صمیم قلب و خلوص بنت است
دارد که از قول به عمل آمده و میج شایسته. جدائی درین غانه

حواله از اخبار

حسابات شهریه

تا بوقت طدن و ده چون یک پظر مامور محاسبات باداره
مالی، یک ولایت یا کدام داره مقرر می کردید محاسبات او
تازمانیکه از ماموریتش منطقه عی شست قطع نمیشد لهذا قطع
محاسبات مامورین به سالهایی کشید. این مسئله و فرض داشت
اول برای دولت که محاسبات مالیه آن هر ساله نامه ام می ماند
دوم برای مامور محاسبه آن از هاعث چندوقت ماموریت خود
مدت درازی بقطع محاسبات خویش تکفارانه داد و عی توالت
به کار دیگر اشتغلان نماید. رای رفع این نوامن وزارت مالیه
قطع محاسبات را باصول تازه سالهایه مقرر کرد و اولاً این اصول
تازه را در سمت منطق اجراء نموده چون بجزء حاصل شد
در ساز اولایاره وزارات مقرر داشت که محاسبات خود را
مامور از وزارت مالیات گشته داشته چند قطع محاسبات
حاصل نمیند.

قرآن و آخر کنضی مامورین

عالیقدر حلالات ماس جناب شیراحد خان صاحب زعنین
محل شوری قائم مقام وزارت حمله خارجه نا ورود

و میک و شد که این دو سیدار شان به افغانستان و گام طام اسلام پاک شان علاقه مندی دارد آنها اتفاقات او شان را به آشایش و صلاح حال مسلمین هبته خواستکارم .

جناب وزیر خخار از طرف ذات ملوکانه نظر در میان نودن مشار الہ حسن حریان رو بسط بین دولتین را نشان ذی شان

(سردار عالی) باعهاد نامه فیل نائل گردیدند :

بسم الله تعالى

من عبد الله المجاهد في سبيل الله
الفازى آمان الله

باد شاه هلاکت افغانستان

نظر به پاس خدمت و مراتب لیاقت که از حاليقدر جلالات مآب لفتنست گریل ایف ، ایج همفریز . سی ، ای وزیر خخار دولت علیه برطایا در کابل معرض افتاده بتصویب وزارت خارجه مشار الہ را باعطا شان سردار عالی قرین افغان خوار نودم

(آخندزاده صاحب تکاب)

جناب مستطاب حیدر الله آخندزاده معروف به آخندزاده صاحب تکاب که از منابع بزرگ طرقه نیریقه قادر به استند ، هفت کذشته بزم ایضا زیارت بیت الله الحرام از تکاب وارد کابل شدند ، دو سه روز در شهر توقف داشتند بعد با جند نفر از مریدان خویش رهسپار خادمه مقصود گردیدند . در ایام نوچ شان مردم کابل واطراف قریب آن جماعت جماعه بحضور شان حاضر میشدند . حضور شاهانه برای همیه وسائل سفریه شان مبلغ (۱۰۰۰۰) روپیه هند ویک عناده موڑ بز رفتار الى پشاور احسان فرمودند .



در بعضی مانیین حروف طبع کردید

جناب عبدالحکیم خان مامور تعییرات یافمان که در اوائل جلوس اعلیحضرت غازی به حکمرانی حکومت کلان خوزان مقرر و دند در این ایام محمددا به حکومت آنجما مقرر گشت . جناب آقای عبدالرشید خان حاکم کلان خوزان به حکومت کلان (دایه زنگی) تبدیل شدند .

و . ج جناب میرزا مان الدین خان که والی ولایت کابل بودند و بفرض اجرای تزیبات و تنظیمات حديثه تشکیلات ولایت پهائب الحکومه کی مرات مقرر شدند (هشتمین) تصویب هراث رهسپار گردیدند .

افتتاح مکتب امامی

درینی از عمره های سال کذشته از داشتن یک مکتب افغانی تحت اداره و تعلیم معلمین امامی و ورود معلمین مذکور و لزوم و فوائد مکتب منبور نذکر نموده بودم درین جندماه وزارت جلیله معارف به همیه لوازم جزیان مکتب منبور مشغول بوده روز بخشنه ۲۵ نور مکتب منبور که از طرف حضور شاهانه به (مکتب امامی) مسمی شده در موقعيک حضرت عالی وزیر صاحب معارف و معین صاحب معارف و باقی رؤسائ و مدیرها و اعضاء وزارت و سر معلمین مکتب شهر کابل حضور داشتند در کمال مرور و شفف افتتاح یافت در مجلس افتتاح اولاً جناب دا کتر ابون مدیر مکتب منبور لامنه قرائت و بعد حضرت عالی وزیر صاحب معارف لطف مفصلی ایجاد نمودند . کوانف افتتاح و نطقهای منبور در بینی از شماره های آنیه نشر خواهد شد .

اعطای لشان

عالیقدر جلالات لفنت گردیل ایف ، ایج ، همفریز سی ای ، ای وزیر بختار دولت بیهیه برطایه در هفته کذشته بطور حصن لندن رفتند . در موقع منصب خصی بحضور اعلیحضرت معظم ظاری مشرف گردیده هنکام وداع حضور شاهانه باشان فرمودند : احترامات قافیه ام را بخمور اعلیحضرت جازی شاه انگلستان و مستر رمنی مکدانلدر نیس وزرا ابلاغ می نمائند